

تحلیل معیارهای ماهوی صدور دستورات موقت در دیوان داورى ورزش

مهریار داشاب

دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسى، دانشگاه علامه طباطبایى، تهران، ایران.

mehryarbsdashab@gmail.com

سپهر صارمى (نویسنده مسئول)

دکترای حقوق بین الملل عمومى، دانشکده حقوق و علوم سیاسى، دانشگاه علامه طباطبایى، تهران، ایران.

s.saremi1995@gmail.com

قابل انتشار در دوره ۲۶ شماره ۷۱ (پاییز ۱۴۰۶) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده

رسیدگی به اختلافات ورزشی و تضمین عدالت در این حوزه مستلزم وجود ابزارهایی است که از حقوق طرفین حمایت کرده و از بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر پیشگیری کنند. در این راستا، دستورات موقت در دیوان داورى ورزش نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. کارکرد اصلی این دستورات، جلوگیری از ورود آسیب‌های غیرقابل جبران تا زمان صدور رأی نهایی است. دیوان برای صدور چنین دستوراتی، سه معیار ماهوی اساسی را مدنظر قرار می‌دهد: ۱) ضرورت جلوگیری از ضرر غیرقابل جبران، ۲) احتمال موفقیت دعوا در ماهیت، و ۳) ترجیح منافع خواهان بر منافع خوانده. ماده R37 آیین‌نامه دیوان داورى ورزش محدودیتی نسبت به ماهیت اقدامات موقت پیش‌بینی نکرده و این اقدامات عمدتاً در سه دسته قرار می‌گیرند: تسهیل جریان دادرسی، حفظ وضعیت موجود، و تضمین اجرای رأی نهایی. بررسی رویه دیوان نشان می‌دهد که در پرونده‌های مرتبط با دوپینگ حساسیت بیشتری در صدور دستورات موقت وجود دارد؛ زیرا اصل بنیادین رقابت منصفانه ایجاب می‌کند ورزشکاران متهم به تخلف، پیش از تعیین تکلیف نهایی، از حضور در رقابت‌ها محروم شوند. در مجموع، نظام دستورات موقت دیوان داورى ورزش نسبتاً کارآمد ارزیابی می‌شود، چراکه تصمیمات در بسیاری موارد با سرعت و گاه ظرف چند روز اتخاذ می‌شوند. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقدان شفافیت کامل و نبود وحدت رویه در فرآیند صدور این دستورات همچنان محسوس است. بنابراین، مشخص‌سازی دقیق‌تر معیارهای ارزیابی، به‌ویژه با تأکید بر سه معیار ماهوی یادشده، و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی منسجم می‌تواند به کاهش اختلاف در تفسیر و ارتقای کارآمدی این نهاد منجر شود.

کلمات کلیدی: دستور موقت، دیوان داورى ورزش، آسیب‌های غیرقابل جبران، رویه دیوان داورى ورزش

دستورات موقت در حقوق ورزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هنگامی که یک ورزشکار، باشگاه یا نهاد ورزشی از سوی یک سازمان ورزشی مورد مجازات قرار می‌گیرد، این مجازات معمولاً به صورت محرومیت اجرا می‌شود. این وضعیت به‌ویژه برای ورزشکاران حرفه‌ای که منبع اصلی درآمدشان وابسته به ادامه فعالیت ورزشی است، تأثیر چشمگیری دارد.^۱ مانند سایر نهادهای داور، دیوان داور ورزش نیز به طرفین دعاوی بدوی و تجدیدنظر، از جمله در شعبه ویژه خود در جریان بازی‌های المپیک، امکان درخواست و در موارد مناسب، صدور «دستورات موقت» را در بازه زمانی کوتاه فراهم می‌کند؛ این امر طبق ماده R37 آیین‌نامه دیوان داور ورزش انجام می‌شود.^۲ دیوان داور ورزش به‌عنوان عالی‌ترین مرجع داور در حل و فصل اختلافات ورزشی بین‌المللی، نقش کلیدی در تضمین عدالت در ورزش ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای این دیوان در فرآیند رسیدگی، دستور موقت است. این ابزار به طرفین دعوی امکان می‌دهد تا از ورود خسارت جبران‌ناپذیر جلوگیری کرده و حقوق خود را تا زمان صدور رأی نهایی حفظ کنند. صدور دستور موقت در دیوان داور ورزش مشروط به احراز سه معیار ماهوی اساسی است: ۱. احتمال ورود خسارت جبران‌ناپذیر ۲. توازن منافع طرفین ۳. احتمال موفقیت در دعوی اصلی. این دستورات معمولاً در مواردی مانند تعلیق محرومیت‌های ورزشی، جلوگیری از اجرای مجازات‌های ناعادلانه یا حفظ وضعیت موجود تا زمان تصمیم‌گیری نهایی صادر می‌شوند. در روبه دیوان داور ورزش، صدور دستور موقت مستلزم رعایت دو دسته پیش شرط اساسی است: الزامات شکلی و معیارهای ماهوی.^۳ این شرایط در ماده R37 آیین دادرسی دیوان داور ورزش مورد تصریح قرار گرفته‌اند. این پژوهش بر آن است تا با بررسی رویکرد دیوان داور ورزش در تفسیر معیارهای ماهوی صدور دستور موقت، به این پرسش پاسخ دهد که: دیوان داور ورزش در چه شرایطی دستور موقت صادر می‌کند و چگونه معیارهای جلوگیری از خسارت جبران‌ناپذیر، توازن منافع طرفین و احتمال موفقیت در دعوی را تفسیر می‌کند؟ در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، پس از بررسی اجمالی نهاد دستور موقت و جایگاه دیوان داور ورزش در صدور آن، روبه این دیوان را در خصوص سه معیار اساسی صدور دستور موقت تحلیل خواهد کرد.

شایان ذکر است که در منابع فارسی، پژوهشی که مستقیماً یا حتی به‌طور غیرمستقیم به بررسی دستورات موقت در دیوان داور ورزش پرداخته باشد، یافت نشد. پژوهش‌های موجود عمدتاً مربوط به دیگر محاکم بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیوان اروپایی حقوق بشر می‌باشند. این امر اهمیت تحقیق حاضر را دوچندان می‌کند، زیرا می‌تواند به غنای منابع فارسی در حوزه داور ورزشی و حقوق ورزش کمک کند.

۱. مبانی نظری و چارچوب دستور موقت

¹ . Flavio Pirrello, Analyse de la jurisprudence du Tribunal Arbitral du Sport relative aux mesures provisionnelles (master's thesis, Université de Lausanne, 2021), 1.

² . Blackshaw, I., & Pachmann, T. (2016). CAS Provisional and Conservatory Measures and Other Options to Be Granted Interim Legal Relief. In: Duval, A., Rigozzi, A. (eds), Yearbook of International Sports Arbitration 2015. T.M.C. Asser Press, The Hague, p94.

³ . criteria or substantive requirements.

دستور موقت، یا به بیان دیگر اقدامات موقتی، تدابیری است که باید به صورت فوری اجرا شود تا حقوق طرفین تا زمان صدور رأی نهایی حفظ گردد.^۴ این اقدامات، ویژگی مشترکی در رسیدگی‌های قضایی داخلی و بین‌المللی دارند و مبنای اصلی آن‌ها فراهم کردن تضمینات منطقی برای یکی از طرفین اختلاف نزد دیوان یا محکمه است، به گونه‌ای که وضعیت موضوع اختلاف تغییری نکند و در نتیجه، در صورت تأیید ادعا، بهره‌مندی از حقوق یا منافع ادعایی برای آن طرف غیر ممکن نشود.^۵ دستور موقت در شرایطی صادر می‌شود که محکمه، با توجه به اوضاع و احوال پرونده، ضرورت و به تبع آن فوریت درخواست هر یک از طرفین را احراز کند. ماهیت این اقدام، تدبیری برای دستیابی به تأمین موقت است. به عبارت دیگر، صدور دستور موقت مبتنی بر وجود شرایط اضطراری و موقعیتی است که اقدامات خوانده می‌تواند به نقض گسترده حقوق بشر منجر شود، به نحوی که جبران آن ممکن نباشد.^۶

نکته‌ای که در کیفیت اجرای دستور موقت باید مورد توجه قرار گیرد، ماهیت تعهد ناشی از آن است. مفاد دستور موقت از نظر نوع تعهد می‌تواند به دو دسته تعهد به وسیله یا تعهد به نتیجه تقسیم شود.^۷ در تعهد به وسیله، طرف متعهد موظف است اقدامات لازم را برای دستیابی به نتیجه مطلوب انجام دهد و از تمام توان خود در این مسیر بهره ببرد. در این حالت، بار اثبات نقض تعهد بر عهده طرفی است که در موضوع دستور موقت ذینفع محسوب می‌شود. اما در تعهد به نتیجه، تحقق یک هدف مشخص موضوع تعهد قرار می‌گیرد و طرف متعهد موظف است که حصول آن نتیجه را تضمین کند.^۸ همانند محاکم قضایی بین‌المللی، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری^۹ و دیوان اروپایی حقوق بشر^{۱۰}، محاکم داوری بین‌المللی نیز امکان صدور دستور موقت را پیش‌بینی کرده‌اند. دیوان داوری ورزش نیز از این قاعده مستثنا نبوده و از این صلاحیت برخوردار است. در ادامه، پس از معرفی اجمالی دیوان داوری ورزش، چهارچوب حقوقی و رویه این دیوان در صدور دستورات موقت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. صلاحیت و آیین‌نامه دیوان داوری ورزش در صدور دستور موقت

ناگفته پیداست که مهمترین نهاد در زمینه حل و فصل اختلافات ورزشی دیوان داوری ورزش است. نویسندگان فرانسوی از این محکمه به عنوان حافظ لکس اسپورتیوا^{۱۱} یاد کرده‌اند. این دیوان در طول حیات خود توانسته است باعث تعمیق حقوق ورزش و متعاقباً حل و فصل اختلافات ناشی از دوپینگ شود. بنابراین پیش از ورود به مبحث رویه و اصول دیوان در حل و فصل اختلافات ناشی از دوپینگ، شناخت کلی از ساختار دیوان داوری ورزش و مکانیزم عملکرد آن ضروری به نظر می‌رسد.

^۴ سلیمان زاده، احمدرضا و کوشا، هستی. (۱۳۹۵). بررسی دستور موقت و ضمانت اجرای آن در دیوان بین‌المللی دادگستری. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۳، ص ۶۰.

^۵ اردشیر مقدم، مهدیه، نژندی‌منش، هیبت‌الله و صلح‌چی، محمدعلی. (۱۴۰۱). اجرای دستورات موقت دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر دستور موقت دیوان در پرونده نقض ادعایی عهدنامه مودت ایران-آمریکا. (۱۹۹۵) *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱۱(۵). ص ۳۳۲۶.

^۶ کریمی، فرهاد، نیاورانی، صابر و زمانی، سید قاسم. (۱۴۰۰). نقش دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر: مطالعه موردی پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، (۴) ۲۴، ص ۲۳۶.

^۷ عابدی، محمد و امینی، اعظم. (۱۳۹۸). راهکارهای تضمین اجرای دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، (۸۴) ۲۲، ص ۱۳۹.

^۸ همان.

^۹ International court of justice.

^{۱۰} European court of human rights.

^{۱۱} Gardien de la Lex Sportiva.

در آغاز دهه ۱۹۸۰، افزایش تعداد اختلافات بین‌المللی مرتبط با ورزش و عدم وجود مرجع مستقل و ویژه‌ای که در مسائل مربوط به ورزش مجاز به صدور تصمیمات الزام‌آور باشد، سازمان‌های ورزشی را بر آن داشت تا موضوع حل و فصل اختلافات ورزشی را مورد توجه قرار دهند.

سال ۱۹۸۱، با انتخاب خوان آنتونیو سامارانش به ریاست کمیته بین‌المللی المپیک، ایده ایجاد یک نهاد مستقل برای حل و فصل اختلافات ورزشی مطرح شد. این ایده در نهایت با تشکیل گروه کاری زیر نظر قاضی ام بایه، که در آن زمان قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری بود، به نتیجه رسید. اساسنامه اولیه این نهاد در سال ۱۹۸۳ تصویب و در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴ به‌طور رسمی به اجرا درآمد.^{۱۲} دیوان داوری ورزش، اولین یا آخرین دادگاه داوری در دنیا نیست و در دوران گذشته، از نهادهای داوری به‌طور گسترده‌ای برای حل و فصل اختلافات استفاده شده است. اما، وجه تمایز دیوان داوری ورزش در ماهیت دعاوی مطروحه در آن است که اختصاصاً به حل و فصل اختلافات ورزشی می‌پردازد. قواعد عمومی داوری در دیوان داوری ورزش مثل قواعد مربوط به ابلاغ و ارسال مکاتبات، استفاده از وکیل و نماینده حقوقی و ... تقریباً مشابه رویه معمول سایر داوری‌های بین‌المللی است.^{۱۳}

معرفی تفصیلی دیوان داوری ورزش خارج از حوصله نوشتار حاضر است؛ بنابراین در ادامه، ابتدا مبانی قانونی و اصول حاکم بر صدور دستورات موقت در بررسی خواهد شد. سپس، معیارهایی که دیوان برای صدور این دستورات در نظر می‌گیرد، از جمله ضرورت جلوگیری از آسیب یا ضرر جبران‌ناپذیر، ارجحیت منافع خواهان نسبت به خواهان و احتمال موفقیت در ماهیت دعوا، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، با مرور رویه‌های دیوان در این زمینه، شیوه اعمال این معیارها و نحوه تفسیر آن‌ها در پرونده‌های مختلف بررسی خواهد شد.^{۱۴}

۱.۳ الزامات شکلی و معیارهای ماهوی برای اتخاذ دستورات موقت

قواعد مربوط به آیین دادرسی دیوان داوری ورزش در آیین‌نامه داوری^{۱۵} مورخ فوریه ۲۰۲۳ تنظیم شده است. قاعده ۳۷R به فرایند درخواست و همچنین شرایط آن اختصاص یافته است. اهم نکاتی که در رابطه با **الزامات رویه‌ای**^{۱۶} در این ماده تصریح شده است به شرح ذیل می‌باشد:

^{۱۲} . Tas/Cas, Historique du TAS, available at :

<https://www.tas-cas.org/fr/informations-generales/historique-du-tas.html> (last visited January 29, 2025).

^{۱۳} عبداللهی، محمدعلی. (۱۳۹۹) امکان‌سنجی استفاده از الگوی دیوان داوری ورزش در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی (رساله دکتری). دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۸۸.

^{۱۴} دیوان داوری ورزش برای صدور دستورات موقت سه شرط ماهوی در نظر می‌گیرد: خطر آسیب غیرقابل جبران، احتمال موفقیت دعوا در ماهیت، و ارجحیت منافع خواهان نسبت به خواننده. الزامات شکلی که به مسائل فرآیندی و اداری مربوط می‌شوند شامل ارائه درخواست کتبی، دلایل کوتاه، شواهد صلاحیت دیوان داوری ورزش، پرداخت هزینه و رعایت مهلت‌ها هستند. به دیگر سخن، الزامات شکلی پیش شرط قانونی و الزامات ماهوی معیار اصلی تصمیم‌گیری و تضمین عدالتند.

^{۱۵} . Code of Sports-related Arbitration.

^{۱۶} . procedural requirements.

- لزوم استفاده از راهکارهای حقوقی داخلی؛^{۱۷}
- هزینه و الزامات اولیه؛
- صلاحیت صدور دستور موقت؛
- فرآیند بررسی و صدور دستور موقت؛
- مهلت ارائه درخواست اصلی و امکان لغو دستور موقت؛
- امکان درخواست وثیقه.

پیش از ارائه درخواست دستور موقت به دیوان داورى ورزش، خواهان باید تمامی راهکارهای حقوقی داخلی موجود در مقررات فدراسیون یا نهاد ورزشی مربوطه را طی کرده باشد. این شرط به منظور رعایت اصل رجوع مراجع داخلی و جلوگیری از مراجعه زودهنگام به دیوان داورى ورزش، پیش‌بینی شده است. هر خواهان موظف است مبلغ ۱۰۰۰ فرانک سوئیس را به‌عنوان هزینه غیر قابل استرداد بپردازد، در غیر این صورت دیوان داورى ورزش به درخواست مزبور، رسیدگی نخواهد کرد. با این حال، این مبلغ تنها یک بار برای هر پرونده پرداخت می‌شود و نیازی به پرداخت مجدد آن هنگام ثبت درخواست داورى اصلی یا تجدیدنظر نیست.^{۱۸} رئیس بخش مربوطه یا پس از تشکیل هیأت داورى، خود هیأت، می‌توانند دستورات موقتی را صادر کنند. با این حال، خواهان‌ها با پذیرش آیین دادرسی از حق درخواست چنین دستوری از دادگاه‌های ملی صرف‌نظر می‌کنند. پس از ارائه درخواست، طرف مقابل معمولاً ۱۰ روز فرصت دارد تا نظر خود را بیان کند، مگر در شرایط اضطراری که این مهلت کاهش می‌یابد. رئیس بخش یا هیأت داورى به‌سرعت تصمیم‌گیری می‌کند و ابتدا درباره صلاحیت اولیه دیوان داورى ورزش رأی می‌دهد. در صورت فقدان صلاحیت علی‌الظاهر، روند داورى خاتمه می‌یابد. در موارد اضطراری شدید، امکان صدور دستور بدون استماع اولیه طرف مقابل نیز وجود دارد، اما فرصت دفاع بعداً برای وی فراهم می‌شود. همچنین جالب توجه است که چنانچه خواهان ظرف ۱۰ روز پس از ثبت درخواست دستور موقت، دعوای اصلی را در چارچوب داورى عادی یا تجدیدنظر مطرح نکند، دستور موقت به‌طور خودکار لغو خواهد شد. این مهلت قابل تمدید نیست. دیوان می‌تواند صدور دستور موقت را مشروط به ارائه تضمین مالی (وثیقه) کند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. این شرط معمولاً در مواردی اعمال می‌شود که درخواست خواهان می‌تواند پیامدهای مالی سنگینی برای طرف مقابل داشته باشد.^{۱۹} دیوان داورى ورزش هنگام بررسی درخواست، سه معیار ماهوی^{۲۰} کلیدی را در نظر می‌گیرد:

○ ضرورت جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران؛^{۲۱}

○ احتمال موفقیت در دعوای اصلی؛^{۲۲}

17. internal legal remedies= les voies de droit interne

18. Code of Sports-related Arbitration, R37, 2023.

19. Code of Sports-related Arbitration, R37, 2023.

20. Substantial criteria.

21. Irreparable harm; dommage irréparable

22. Likelihood of success on the merits of the claim; Les chances de succès de la demande au fond

○ ارجحیت منافع خواهان نسبت به خواننده.^{۲۳}

شایسته توجه است که شروط فوق‌الذکر تا سال ۲۰۱۳ در آیین‌نامه داوری ذکر نشده بود اما توسط دیوان داوری ورزش مورد استفاده قرار گرفته و همین موضوع باعث توسعه آن‌ها و در نهایت درج این الزامات در آیین‌نامه شد.^{۲۴}

همان‌طور که از متن ماده R۳۷ مشخص است، انواع دستورات موقت که داوران دیوان داوری ورزش می‌توانند در یک پرونده خاص صادر کنند، به‌طور مشخص محدود نشده‌اند. بنابراین، دیوان داوری ورزش در این زمینه از اختیارات گسترده‌ای برخوردار می‌باشد.^{۲۵} با این حال، به‌طور سنتی در روندهای داوری، این دستورات معمولاً در سه دسته کلی قرار می‌گیرند:

- تدابیری برای تسهیل روند دادرسی، مانند دستوراتی برای حفظ و حراست از ادله حیاتی؛
- تدابیری برای حفظ وضعیت موجود در طول دادرسی، مانند اقداماتی که موضوع دعوی را تا پایان رسیدگی حفظ می‌کنند؛ و
- تدابیری برای تضمین اجرای تصمیم نهایی در آینده، مانند اقداماتی که مربوط به حفظ دارایی‌ها هستند.^{۲۶}

هر سه معیار (آسیب غیرقابل جبران، احتمال معقول موفقیت در ماهیت دعوی، و توازن منافع) باید به‌صورت همزمان احراز شوند تا درخواست صدور دستور موقت پذیرفته شود. در بیشتر موارد، اگر معیار آسیب غیرقابل جبران احراز نشود، هیأت داوری درخواست صدور دستور موقت را بدون بررسی سایر معیارها رد می‌کند. با این حال، در عمل دیوان داوری ورزش اختیار دارد که وضعیت را به‌صورت کلی ارزیابی کند و این سه معیار را به‌عنوان راهنما در نظر بگیرد، بدون اینکه به‌طور سخت‌گیرانه‌ای آن‌ها را اعمال کند.^{۲۷}

۳. واکاوی رویه قضایی دیوان در تفسیر معیارهای ماهوی

در ادامه مقاله و ضمن کنکاش در رویه دیوان داوری ورزش در صدور دستورات موقت، مهم است که به این موضوع پرداخته شود که دیوان داوری ورزش در فرآیند صدور چنین دستوراتی، از چه اصول و رویه‌هایی برای ارزیابی شرایط مختلف پیروی کرده است. به‌طور خاص، این موضوع شامل بررسی نحوه اعمال و تفسیر معیارهای کلیدی نظیر ضرورت جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران، احتمال موفقیت در دعوای اصلی و ارجحیت منافع خواهان نسبت به خواننده می‌باشد. در ابتدا، معیار ضرورت جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران یک مفهوم اساسی در صدور دستورات موقت است که به عنوان پیش‌شرطی برای صدور چنین دستورات مطرح می‌شود.

²³ . whether the interests of the Applicant outweigh those of the Respondent(s); l'importance des intérêts de la partie requérante par comparaison à ceux de la partie défenderesse/intimée.

²⁴ . Mavromati, D., & Reeb, M. (2015). The Code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, cases and materials. Kluwer Law International, p136.

²⁵ . Blackshaw, I., & Pachmann, T. (2016). CAS Provisional and Conservatory Measures and Other Options to Be Granted Interim Legal Relief. In: Duval, A., Rigozzi, A. (eds), Yearbook of International Sports Arbitration 2015. T.M.C. Asser Press, The Hague, p95.

²⁶ . Ibid.

²⁷ . Mavromati and Reeb, The Code of the Court of Arbitration for Sport, 136.

این معیار به طور خاص به دنبال ارزیابی این موضوع است که آیا تأخیر در صدور دستور موقت می‌تواند به ضرر طرف خواهان باشد و این ضرر آیا غیرقابل جبران است؟ دیوان داوری ورزش در بسیاری از موارد، بر این نکته تأکید دارد که اگر اجرای دستور موقت از نظر زمانی به تأخیر بیفتد، ممکن است به طور مستقیم بر نتیجه نهایی پرونده تأثیر بگذارد و به طرف خواهان خسارت‌های جبران‌ناپذیر وارد کند. بنابراین، دیوان با بررسی دقیق جزئیات پرونده، این معیار را در نظر می‌گیرد تا تعیین کند که آیا وضعیت موجود نیاز به مداخله فوری دارد یا خیر.

دومین معیار، احتمال موفقیت در دعوی اصلی است. دیوان داوری ورزش معمولاً از این معیار به عنوان یکی از ارکان مهم برای ارزیابی درخواست دستورات موقت استفاده می‌کند. در بسیاری از موارد، دیوان ملاحظه می‌کند که آیا دعوی خواهان از شواهد و استدلال‌های قوی برخوردار است که احتمال موفقیت در مرحله اصلی دعوا را افزایش دهد. در صورتی که احتمال موفقیت در دعوی اصلی کم باشد، دیوان ممکن است درخواست دستورات موقت را رد کند چرا که اجرای چنین دستوری ممکن است بی‌مورد و غیرضروری باشد.

سومین معیار، ارجحیت منافع خواهان نسبت به خوانده است که برای ارزیابی متوازن و منصفانه در صدور دستورات موقت به کار می‌رود. دیوان داوری ورزش به طور معمول بررسی می‌کند که آیا منافع خواهان در مقایسه با منافع خوانده در وضعیت جاری پرونده برجسته‌تر است یا خیر. این ارزیابی نیازمند تحلیل دقیق این موضوع است که آیا منافع و حقوق خواهان در معرض آسیب جدی قرار دارد و آیا این منافع بر منافع خوانده ارجحیت دارد. در صورتی که منافع خواهان به طور چشمگیری از منافع خوانده مهم‌تر و ضروری‌تر به نظر برسد، دیوان ممکن است درخواست دستورات موقت را تأیید کند. در ادامه در رابطه با هر یک از این معیارها در رویه دیوان داوری ورزش کنکاش شده است.

۱/۴. ضرورت جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران

خطر آسیب جبران‌ناپذیر نخستین معیار ماهوی برای صدور اقدامات موقت محسوب می‌شود. طبق آرای مختلف دیوان داوری ورزش در این زمینه، آسیبی جبران‌ناپذیر به آسیبی گفته می‌شود که حتی اگر تصمیم نهایی به نفع خواهان باشد، باز هم به طور کامل برطرف نشود.^{۲۸} زبان غیرقابل جبران می‌تواند حسب مورد مالی یا معنوی باشد. از آنجا که تعیین میزان دقیق خسارت دشوار است، کافی است احتمال وقوع آن ثابت شود.^{۲۹}

در رای مربوط به پرونده باشگاه آ. اس. رم علیه فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) مورخ ۲۰۰۵ موضوع جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران توسط رییس شعبه تجدید نظر دیوان داوری ورزش به خوبی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴، بازیکن فرانسوی فیلیپ مکسس که تحت قرارداد با باشگاه اوسر بود، قراردادی چهار ساله با آ. اس. رم امضا کرد. باشگاه اوسر مدعی شد که مکسس همچنان تحت قرارداد با این باشگاه بوده و بدون رضایت آنها جدا شده است. در نتیجه، اوسر از کمیته حل و فصل اختلافات فیفا^{۳۰} خواست تا این فسخ قرارداد را غیرقانونی اعلام کند.^{۳۱} در ۳۱ اوت ۲۰۰۴، کمیته حل و فصل اختلافات فیفا اعلام کرد که

²⁸ . Pirrello, Analyse de la jurisprudence,p1.

²⁹ . Mavromati and Reeb, The Code of the Court of Arbitration for Sport, 136

³⁰ . La Chambre de Résolution des Litiges de la FIFA

مکسس بدون دلیل موجه قرارداد خود را فسخ کرده است و در نتیجه، وی را به مدت شش هفته از بازی محروم کرد. پس از این تصمیم، هم مکسس و هم آ.اس. رم درخواست تجدیدنظر کردند و خواستار لغو این محرومیت شدند. در نهایت، دیوان داورى ورزش در ۱۱ مارس ۲۰۰۵ این تصمیم را تأیید کرد و اعلام کرد که مکسس قرارداد خود را به طور یک طرفه و بدون دلیل موجه فسخ کرده است.^{۳۲} باشگاه رم درخواست داد که اجرای این محرومیت تا زمان صدور رأی نهایی دیوان داورى ورزش معلق شود، زیرا در غیر این صورت باشگاه متضرر خواهد شد. در مقابل، فیفا خواستار رد این درخواست شد و استدلال کرد که باشگاه رم همچنان می تواند بازیکنان خود را بفروشد و از انتقال آنها درآمد کسب کند. فیفا همچنین تأکید کرد که رم آگاهانه قوانین را نقض کرده است.^{۳۳} در مقابل رییس شعبه تجدید نظر دیوان در راستای بررسی معیارهای ماهوی به منظور صدور دستور موقت در مرتبه نخست موضوع آسیب غیرقابل جبران مورد بررسی قرار داد. از آنجا که زیان متحمل شده توسط باشگاه آ.اس. رم ظاهراً جبران ناپذیر نیست و شانس موفقیت آن در ماهیت دعوی محدود به نظر می رسد، متمایل کردن توازن منافع به نفع باشگاه آ.اس. رم، با در نظر گرفتن هدف مقررات فیفا در زمینه ثبات قراردادی، غیرمنطقی خواهد بود.^{۳۴} بنابراین همانطور که در قضیه فوق‌الاشاره مشاهده شد، دلایل مالی اصولاً نمی تواند ضرر غیر قابل جبران تلقی گردند.

در همین راستا، در رأی صادره در پرونده ورزشکار حرفه‌ای هاکی از اوکراین علیه کمیته انضباطی فدراسیون بین‌المللی هاکی روی یخ در سال ۲۰۰۶، هیئت رسیدگی دیوان داورى ورزش درخواست خواهان برای تعلیق اجرای حکم را بررسی و ارزیابی کرد که آیا وی توانسته است وقوع آسیبی جبران ناپذیر را اثبات کند یا خیر. خواهان مدعی بود که محرومیت از حضور در مسابقات، وی را با آسیب‌های جدی اقتصادی، روانی و عاطفی مواجه خواهد کرد. با این حال، هیئت داورى اعلام کرد که چنین آسیب‌هایی برای هر ورزشکار حرفه‌ای در صورت تعلیق، اجتناب ناپذیر است و صرف ادعای این نوع خسارات نمی تواند مبنای صدور دستور موقت قرار گیرد.^{۳۵} همچنین، هیئت به این موضوع پرداخت که آیا شانس موفقیت تجدیدنظرخواه در اعتراض به تصمیم کمیته انضباطی فدراسیون هاکی یخی بین‌المللی کافی است یا خیر؟. در نهایت، هیئت نتوانست شواهد کافی برای اثبات شانس موفقیت خواهان در پرونده پیدا کند و بنابراین، درخواست صدور دستور موقت را رد کرد.^{۳۶} ناگفته پیداست که بار اثبات، در رابطه با آسیب غیرقابل جبران، بر عهده طرفی است که آن را برای درخواست دستورات موقت خود ادعا می کند. در واقع، بر عهده طرفی است که ادعا می کند در معرض آسیب غیرقابل جبران قرار دارد تا این موضوع را معقول و قابل قبول سازد.

به طور مشابه، طرفی که ادعا می کند در معرض آسیب غیرقابل جبران قرار دارد، باید آسیبی را اثبات کند که مستقیماً متوجه خود او باشد، نه شخص ثالث. در پرونده‌ای میان باشگاه فوتبال بوردوی فرانسه و فیفا در سال ۲۰۱۲، باشگاه دقیقاً چنین ادعایی را مطرح کرد، اما از آنجا که آسیب مورد استناد متوجه شخص ثالث بود، نه خود باشگاه، این استدلال از سوی مرجع رسیدگی کننده پذیرفته

³¹ . Tribunal Arbitral du Sport (TAS). (2005). *Arbitrage TAS 2005/A/916 AS Roma c. Fédération Internationale de Football Association (FIFA), ordonnance sur requête d'effet suspensif du 25 juillet 2005, p2,3.*

³² . *ibid.*

³³ . *ibid.*

³⁴ . *ibid.*

³⁵ . Tribunal Arbitral du Sport (TAS). (2006). *P. v. International Ice Hockey Federation (IIHF), CAS 2005/A/990, order on request for provisional measures, 19 January 2006, para 10.*

³⁶ . *Ibid.*, para 11.

نشد. این باشگاه قصد داشت یک بازیکن نوجوان جدید را که با او قرارداد امضا کرده بود، ثبت‌نام کند و از این رو از فیفا درخواست صدور گواهی انتقال بین‌المللی^{۳۷} کرد. با این حال، انتقال بین‌المللی و گواهی مربوطه به دلیل مقررات حفاظتی فیفا در رابطه با انتقال بین‌المللی بازیکنان نوجوان به باشگاه و بازیکن رد شد. بنابراین، باشگاه علیه تصمیم نهایی فیفا به دیوان داورى طرح دعوی کرد و به طور موقت از این دیوان خواست که فیفا را ملزم به صدور گواهی انتقال بین‌المللی برای ثبت‌نام بازیکن مربوطه کند. این باشگاه ادعا می‌کرد که جلوگیری از ثبت این بازیکن در باشگاه جدید باعث آسیب جبران‌ناپذیر به رشد و توانایی‌های او خواهد شد، چون این بازیکن دارای استعداد شناخته‌شده‌ای است. باشگاه بر این باور بود که نگره داشتن بازیکن در چنین وضعیتی به توانایی‌های او آسیب خواهد زد و موجب ضرر جبران‌ناپذیری می‌شود.^{۳۸} اما طرف مقابل (فیفا) سه استدلال مخالف ارائه داد:

۱- ادعا بدون شواهد کافی: فیفا استدلال کرد که باشگاه تنها ادعای ضرر جبران‌ناپذیر را مطرح کرده است، بدون آنکه شواهد یا ادله ای برای پشتیبانی از این ادعا ارائه دهد. در آراء دیوان داورى ورزش همیشه نیاز است که طرف درخواست‌کننده اقدامات موقت شواهد کافی برای اثبات تهدید ضرر جبران‌ناپذیر ارائه دهد.

۲- آسیب به بازیکن و نه باشگاه: فیفا همچنین اشاره کرد که آسیب ادعایی مربوط به بازیکن است که در این پرونده طرف نیست. از آنجا که بازیکن به عنوان طرف پرونده در نظر گرفته نشده، بنابراین ضرری که ممکن است به او وارد شود، در این مقطع قابل بررسی نیست.

۳- هیچ آسیبی به باشگاه وارد نمی‌شود: فیفا استدلال کرد که باشگاه هیچ ضرر جبران‌ناپذیری را که مستقیماً به آن وارد می‌شود، اثبات نکرده است. حتی اگر دیوان داورى ورزش به نفع باشگاه حکم بدهد، این حکم به اندازه کافی برای ثبت بازیکن در باشگاه جدید کافی نخواهد بود.^{۳۹}

در پاسخ، دیوان داورى ورزش تأکید کرد که طبق رویه شکل گرفته در دیوان داورى ورزش، خواهان (باشگاه) باید ثابت کند که در صورتی که اقدامات موقت درخواست‌شده رد شود، در معرض ضرر جبران‌ناپذیری قرار خواهد گرفت. اما در این مورد، تنها باشگاه فوتبال بوردو درخواست اقدامات موقت کرده بود و این باشگاه هیچ تهدیدی برای ضرر به خود مطرح نکرده است، بلکه تنها به خطر جبران‌ناپذیر برای بازیکن اشاره کرده است. بنابراین، دیوان داورى ورزش اعلام کرد که باشگاه نتوانسته است بار اثباتی لازم برای درخواست اقدامات موقت را فراهم کند، چون آن‌ها ثابت نکردند که خودشان در معرض ضرر جبران‌ناپذیر قرار دارند. این نکته اصل مهمی را در رویه دیوان داورى ورزش نشان می‌دهد: طرف خواهان اقدامات موقت باید شواهد محکمی از ضرری که خود او ممکن است متحمل شود، ارائه دهد و نمی‌تواند به ضرر احتمالی یک طرف ثالث تکیه کند. به دیگر سخن، دیوان داورى ورزش همواره تأکید دارد که خواهان باید اثبات کند که خود او در معرض آسیب‌های غیرقابل جبران است و نه دیگران. بنابراین، در مواردی که خواهان

³⁷ . certificate international de transfert.

³⁸ . Tribunal Arbitral du Sport (TAS). (2012). Arbitrage TAS 2012/A/2862 FC Girondins de Bordeaux c. Fédération Internationale de Football Association (FIFA), ordonnance du 20 août 2012, para 23.

³⁹ . ibid, para 24.

استدلال می‌کند که آسیب‌هایی به دیگران (مانند هواداران) وارد خواهد شد، این نوع استدلال‌ها در تصمیم‌گیری برای درخواست اقدامات موقت در نظر گرفته نخواهند شد.^{۴۰}

یکی از مهم‌ترین موضوعات در رابطه با اثبات وجود آسیب غیرقابل جبران عدم اعتراض خواننده به ادعای خواهان^{۴۱} است که همواره مجاب‌کننده‌ی دیوان داوری ورزش در صدور دستور موقت بوده است. اثبات آسیب غیرقابل جبران معمولاً چالش برانگیزترین معیار در بررسی درخواست اقدامات موقت است. همانطور که گفته شد در رویه دیوان داوری ورزش، الزامات مشخصی برای احراز این معیار شکل گرفته است. با این حال، در برخی موارد، حتی اگر امکان تردید در وجود چنین آسیبی وجود داشته باشد، طرف مقابل به آن اعتراضی نمی‌کند. در چنین شرایطی، نهادهای تصمیم‌گیرنده در دیوان داوری ورزش معمولاً تمایل بیشتری به پذیرش درخواست اقدامات موقت دارند.^{۴۲} در رای مربوط به باشگاه فوتبال بشیکتاش علیه اتحادیه فوتبال اروپا^{۴۳} مورخ ۲۰۱۳ باشگاه فوتبال بشیکتاش ترکیه درخواست صدور دستور موقت کرده بود و با دیوان نیز با توجه به عدم اعتراض خواننده (اتحادیه فوتبال اروپا) با آن موافقت نمود.^{۴۴}

در نهایت می‌توان اینطور نتیجه گرفت که به جز موارد سلبی که دیوان را از صدور دستور موقت باز می‌دارد دیوان داوری ورزش معیارهای خاصی را برای احراز آسیب غیرقابل جبران در صدور اقدامات موقت در نظر می‌گیرد. به طور کلی، آسیب غیرقابل جبران در چهار دسته کلی قرار می‌گیرد:

- وجود آسیب: برای اینکه آسیبی غیرقابل جبران تلقی شود، ابتدا باید وجود آن اثبات شود. در صورتی که خواهان نتواند شواهدی برای اثبات آسیب ارائه دهد، درخواست رد خواهد شد.
- از دست دادن فرصت شرکت در مسابقات: عدم امکان شرکت در رویدادهای مهم ورزشی، آسیبی غیرقابل جبران محسوب می‌شود، زیرا این فرصت دیگر قابل بازگرداندن نیست.
- عدم امکان دریافت غرامت: اگر ورزشکار یا باشگاهی در صورت پیروزی در ماهیت دعوا، امکان دریافت خسارت نداشته باشد، آسیب غیرقابل جبران تلقی می‌شود.
- **حفظ ادله:** در برخی موارد، از بین رفتن شواهد می‌تواند آسیب غیرقابل جبران ایجاد کند. بنابراین، ممکن است اقدامات موقت برای حفظ شواهد ضروری باشند.^{۴۵}

این اصول نشان می‌دهند که دیوان داوری ورزش در بررسی اقدامات موقت، سخت‌گیری زیادی در احراز آسیب غیرقابل جبران دارد و تنها در مواردی که امکان جبران از طریق راه‌های دیگر وجود نداشته باشد، چنین درخواست‌هایی را می‌پذیرد.^{۴۶}

⁴⁰ . Mavromati and Reeb, The Code of the Court of Arbitration for Sport, 137.

⁴¹ . Absence d'objection de la partie adverse.

⁴² . Pirrello, *Analyse de la jurisprudence*, p26.

⁴³ . Union des associations européennes de football

⁴⁴ . Court of Arbitration for Sport (CAS). (2013). *Besiktas Jimnastik Kulübü v. UEFA*, CAS 2013/A/3258, para. 32.

⁴⁵ . Manarakis, S. (n.d.). Provisional measures by CAS/TAS. Lex Ferenda. Retrieved from

<https://www.lexferenda.gr/wp-content/uploads/2014/09/Provisional-Measures-by-CAS.pdf>

۲/۴. احتمال موفقیت در دعوای اصلی

دو معیار دیگر که توسط دیوان داورى ورزش مورد بررسی قرار می‌گیرند، احتمال موفقیت در دعوای اصلی و ارجحیت منافع خواهان نسبت به خوانده هستند. اهمیت این دو معیار در مقایسه با معیار نخست، یعنی آسیب غیرقابل جبران، به دو دلیل کمتر است: نخست، همان‌طور که گفته شد، برای صدور دستور موقت هر سه معیار باید هم‌زمان وجود داشته باشند؛ دوم، نخستین معیاری که دیوان بررسی می‌کند، آسیب غیرقابل جبران است. به بیان دیگر، اگر آسیب غیرقابل جبران احراز نشود، دیوان به بررسی دو معیار دیگر نخواهد پرداخت.

وقتی موضوع صدور یا عدم صدور دستورات موقت مطرح می‌شود، یکی از معیارهای اصلی بررسی شانس موفقیت دعوا در اصل است. در این مرحله، رئیس یا هیئت داورى باید به‌طور مقدماتی بررسی کنند که دادخواست یا درخواست تجدیدنظر از همان ابتدا بی‌اساس نبوده و شانس موفقیت واقعی داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر تقریباً مشخص باشد که رای نهایی به زیان خواهان صادر خواهد شد، صدور دستورات موقت مانند تعلیق یک تصمیم، بی‌فایده است. با این حال، این ارزیابی همیشه ساده نیست، زیرا در برخی موارد ممکن است بررسی شانس موفقیت دعوا شبیه پیش‌داوری درباره اصل پرونده باشد؛ به‌ویژه زمانی که همان هیئت داورى که تصمیم به صدور دستورات موقت می‌گیرد، بعداً مسئول رسیدگی به اصل دعوا نیز خواهد بود.^{۴۷} بر اساس رویه دیوان داورى ورزش، خواهان باید حداقل یک استدلال باورپذیر^{۴۸} ارائه دهد که نشان دهد حقایقی که به آن‌ها استناد می‌کند و حقوقی که درصدد اجرای آن‌هاست، وجود دارند و شرایط ماهوی لازم برای طرح دعوا محقق شده است.^{۴۹} در عمل، کافی است که خواهان نشان دهد شانس موفقیت او معقول^{۵۰} است. به این معنا که احتمال موفقیت در ماهیت دعوا به‌طور قطعی منتفی نباشد.^{۵۱}

نکته مهم این است که دیوان داورى ورزش اصول کلی حقوقی را اعمال می‌کند، از جمله اصل معروف در صورت تردید، به نفع متهم^{۵۲} حکم داده شود.^{۵۳} در یک پرونده دوپینگ که در نهایت تجدیدنظرخواهی تا حدی مورد پذیرش قرار گرفت، اما بخشی از تصمیم اولیه همچنان معتبر ماند و باعث محرومیت تجدیدنظرخواه شد، دیوان داورى ورزش در یک دستور موقتی، اجرای تصمیم آتی^{۵۴} را متوقف کرد. دلیل این تصمیم آن بود که در زمان صدور دستور، دلایل تصمیم اولیه در دسترس نه تجدیدنظرخواه و نه دیوان داورى ورزش نبود. به همین دلیل، دیوان داورى ورزش قادر به تعیین این نبود که آیا این تصمیم ناقض مقررات فدراسیون

46. ibid.

47. Pirrello, *Analyse de la jurisprudence*, p28.

48. plausible.

49. Court of Arbitration for Sport (CAS). (2006). *M.P. v. FIFA & PFC Krilja Sovetov*, CAS 2006/A/1141, order of 31 August 2006, para16.

50. reasonable= raisonnable.

51. Pirrello, *Analyse de la jurisprudence du Tribunal Arbitral du Sport*, p29.

52. همان قاعده قاعده در dubio pro reo

53. Manarakis, S. (n.d.). Provisional measures by CAS/TAS. Lex Ferenda. Retrieved from

<https://www.lexferenda.gr/wp-content/uploads/2014/09/Provisional-Measures-by-CAS.pdf>

54. International Tribunal of Apea

جهانی موتور سواری^{۵۵} یا اصول حقوقی است و همچنین نمی‌توانست ارزیابی کند که آیا تجدیدنظرخواهی در ماهیت شانس موفقیت دارد یا خیر.^{۵۶}

در نهایت می‌توان در رابطه با این معیار اظهار داشت که موفقیت در ماهیت دعوا باید محتمل^{۵۷} باشد. در مواردی که حل و فصل یک مسئله خاص مستلزم ارزیابی دقیق تمامی استدلال‌ها و ادله است، این ارزیابی تنها پس از طی فرآیند کامل رسیدگی ممکن خواهد بود. بنابراین، هنگام بررسی درخواست دستور موقت، نمی‌توان اظهار نظر قطعی درباره ماهیت اختلاف داشت. از این رو، در چنین مواردی کافی است که احتمال موفقیت در ماهیت دعوا غیرقابل انکار باشد یا نتوان آن را به طور قطعی رد کرد در مرحله‌ای که درخواست دستور موقت مطرح می‌شود.^{۵۸}

3.4. ارجحیت منافع خواهان نسبت به خوانده

بر اساس رویه دیوان داوری ورزش، هنگام بررسی درخواست دستور موقت، باید ریسک‌هایی که خواهان در صورت اجرای فوری تصمیم متحمل می‌شود با ضررهای احتمالی طرف مقابل در صورت عدم اجرای فوری مقایسه شود.^{۵۹} بنابراین، ضرورت صدور دستور موقت برای خواهان باید در برابر منافع طرف مقابل یا سایر افراد متأثر از این دستور سنجیده شود.^{۶۰} جالب توجه است که در بررسی این معیار، اختلافات ناشی از دوپینگ از اهمیت دوچندانی برخوردار هستند؛ چرا که نه تنها منافع طرفین می‌بایست مطمح نظر قرار گیرند بلکه رقابت منصفانه و ورزش پاک نیز باید مدنظر قرار گیرند.^{۶۱} به همین دلیل، در موارد ناشی از تخلفات مقررات دوپینگ دیوان داوری ورزش، معمولاً با احتیاط بیشتری نسبت به سایر حوزه‌ها، تعلیق اجرای تصمیم مورد اعتراض را می‌پذیرد.^{۶۲} رای موسوم به آر علیه یوفا مورخ ۲۰۰۵ که یکی از آرای تاثیرگذار دیوان داوری ورزش در این زمینه است. آر به دلیل وجود بنزوئیل‌اگنونین^{۶۳} (یکی از متابولیت‌های کوکائین) در نمونه‌های ادرار، از سوی یوفا به مدت هشت ماه به دلیل دوپینگ محروم شد. او نسبت به این تصمیم اعتراض کرده و درخواست دستور موقت و تعلیق اجرای محرومیت را تا زمان بررسی نهایی تجدیدنظر ارائه داد.^{۶۴} به نظر نگارندگان، این رای از دو جهت دارای اهمیت است؛ نخست آنکه معیارهای ماهوی صدور دستور موقت بررسی و وجود آن‌ها احراز گردیده است و دوم آنکه علی‌رغم این موضوع که دیوان نسبت به صدور دستور موقت در دعوی ناشی از دوپینگ بسیار محتاط بوده است، با صدور آن در این پرونده موافقت نموده است. به دیگر سخن، دیوان داوری ورزش در این پرونده، با تکیه بر سه عامل کلیدی، با صدور دستور موقت و تعلیق محرومیت بازیکن موافقت کرد:

⁵⁵ . Fédération Internationale de Motocyclisme

⁵⁶ . Arbitration CAS 2000/A/281, H. v. Fédération Internationale de Motocyclisme (FIM), award of 22 December 2000, p3.

⁵⁷ . likely.

⁵⁸ . Mavromati and Reeb, The Code of the Court of Arbitration for Sport, p138.

⁵⁹ . Arbitration CAS 2001/A/324, Addo & van Nistelrooij v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA), order of 15 March 2001, p. 4.

⁶⁰ . Mavromati and Reeb, The Code of the Court of Arbitration for Sport, p138.

⁶¹ . ibid.

⁶² . Pirrello, *Analyse de la jurisprudence*, 34.

⁶³ . Benzoylcegonine (a cocaine metabolite)

⁶⁴ . Arbitration CAS 2005/A/958, R. v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA), order of 9 November 2005, p1.

۱. خطر جبران‌ناپذیر بودن ضرر: بازیکن بیش از سه ماه از محرومیت خود را گذرانده بود و عدم صدور دستور موقت به این معنا بود که او ممکن است پیش از تصمیم‌گیری نهایی، کل دوران محرومیت خود را طی کند. در این شرایط، اگر در نهایت رأی به نفع او صادر می‌شد، بازگشت به شرایط قبلی عملاً غیرممکن بود.
 ۲. عدم مخالفت یوفا با درخواست دستور موقت: یوفا به صدور دستور موقت اعتراض نکرد و این امر نشان داد که این نهاد انضباطی، خود نیز پذیرفته است که امکان دارد بازیکن پیش از تصمیم نهایی دیوان داوری ورزش، کل محرومیت خود را طی کند. این یک عامل تعیین‌کننده در پذیرش درخواست اثر تعلیقی بود، زیرا در دعاوی دوپینگ، دیوان داوری ورزش معمولاً رویکردی بسیار محتاطانه نسبت به تعلیق محرومیت اتخاذ می‌کند.⁶⁵
 ۳. موازنه منافع طرفین: از آنجا که یوفا مخالفتی با تعلیق محرومیت نداشت و احتمال می‌رفت که بازیکن کل محرومیت خود را پیش از تصمیم نهایی تحمل کند، تعلیق آثار محرومیت موجه تلقی شد.⁶⁶
- همانطور که پیشتر نیز اشاره گردید، علی‌رغم سختگیری بسیاری که در صدور دستور موقت در دعاوی ناشی از دوپینگ وجود دارد، اما در برخی از پرونده‌ها دیوان با صدور موقت بنا به دلایلی فوق‌الذکر موافقت نموده است.

۴. نتیجه

دستورات موقت در دیوان داوری ورزش نقشی محوری در حفاظت از حقوق طرفین دعوا و تضمین برقراری عدالت در دعاوی ورزشی ایفا می‌کنند. این دستورات در مواقعی صادر می‌شوند که تا زمان صدور حکم نهایی، جلوگیری از ورود آسیب‌های غیرقابل جبران به طرفین ضروری باشد. دیوان داوری ورزش در راستای حفظ تعادل میان منافع طرفین، اقدام به صدور دستورات موقت بر اساس معیارهای خاص و سخت‌گیرانه‌ای می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به ضروری بودن جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران، احتمال موفقیت دعوی اصلی، و ارجحیت منافع خواهان اشاره کرد.

ماده R37 آیین‌نامه، نوع یا محدودیت خاصی برای دستورات موقت که داوران دیوان داوری ورزش می‌توانند در یک پرونده صادر کنند، تعیین نکرده است. با این حال، این اقدامات معمولاً در داوری به سه دسته تقسیم می‌شوند: اقداماتی برای تسهیل دادرسی، مانند دستوراتی که برای حفظ شواهد مهم صادر می‌شوند؛ اقداماتی با هدف حفظ وضعیت موجود در طول رسیدگی، از جمله اقداماتی که موضوع دعوی را حفظ می‌کنند؛ اقداماتی برای تضمین قابلیت اجرای رأی در آینده، مانند دستوراتی که به اموال مربوط می‌شوند.⁶⁷ بنابراین نگارندگان بر این باورند که نمی‌توان ادعا نمود که دیوان در رابطه با موضوعات خاصی تمایلی بیشتری به صدور دستور موقت دارد. اما، با توجه به رویه دیوان می‌توان گفت که دیوان داوری ورزش در پرونده‌های ناشی از دوپینگ، حساسیت بیشتری نسبت به صدور دستور موقت دارد؛ دلیل آن نیز مربوط به اهمیت رقابت منصفانه و عاری از تقلب است. به‌طور کلی، باید پذیرفت که نظام دستورات موقت دیوان داوری ورزش رضایت‌بخش است. در حقیقت، تصمیم‌ها معمولاً به‌سرعت اتخاذ می‌شوند و در برخی موارد

⁶⁵ . Court of Arbitration for Sport (CAS). (2005). *Arbitrage TAS 2005/A/958 R. v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA), ordonnance du 9 novembre 2005*, paras. 5–9.

⁶⁶ . *ibid.*

⁶⁷ . Blackshaw and Pachmann, "CAS Provisional and Conservatory Measures, p16.

حتی در عرض چند روز، و پیش‌بینی‌پذیری قانون نیز معمولاً کافی است.⁶⁸ در نهایت، با توجه به اهمیت دستورات موقت در حل و فصل سریع و موقت دعاوی ورزشی، پیشنهاد می‌شود دیوان داوری ورزش رویه‌های مشخص و یکپارچه‌تری برای صدور این دستورات ایجاد کند. این رویه‌ها می‌تواند شامل معیارهای دقیق‌تری برای شفاف‌سازی احراز شرایط ماهوی این دستورات باشد. تدوین چنین دستورالعمل‌هایی نه تنها موجب افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در فرآیند داوری ورزشی خواهد شد، بلکه به تحکیم اعتماد عمومی به دیوان داوری ورزش و ارتقای مشروعیت تصمیمات این دیوان در سطح بین‌المللی نیز کمک شایانی خواهد کرد.

یکی از چالش‌های جدی در رسیدگی به درخواست‌های دستورات موقت در دیوان داوری ورزش، فقدان یک ساختار استاندارد برای ارائه این درخواست‌هاست. در عمل، خواهان‌ها اسناد و استدلال‌های خود را به شیوه‌های متفاوت و بعضاً پراکنده ارائه می‌کنند که این امر می‌تواند موجب اتلاف وقت داوران و دشواری در ارزیابی سریع شرایط ماهوی شود. طراحی و استفاده از یک فرم درخواست استاندارد می‌تواند این مشکل را برطرف کند. در این فرم، بخش‌های مشخصی برای درج نوع اقدام درخواستی، دلایل فوری بودن آن، اسناد و مدارک مرتبط، و نیز تحلیل خواهان در خصوص معیارهای سه‌گانه (ضرورت جلوگیری از آسیب غیرقابل جبران، احتمال موفقیت دعوا، و برتری منافع) پیش‌بینی می‌شود. به‌کارگیری چنین فرمی علاوه بر تسهیل کار خواهان، به هیئت داوری یا رئیس شعبه کمک می‌کند تا با یک نگاه جامع و نظام‌مند، شرایط صدور دستور موقت را بررسی کند. این امر نه تنها موجب افزایش سرعت رسیدگی خواهد شد، بلکه به ایجاد شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر در روند داوری نیز کمک می‌کند. در نتیجه، اعتماد طرفین دعوا به فرآیند تصمیم‌گیری تقویت شده و مشروعیت دیوان داوری ورزش در سطح بین‌المللی ارتقا خواهد یافت. در نهایت، به قول پروفیسور یان بلک‌شاو، رویه دیوان داوری ورزش نشان می‌دهد که دستورات موقت بیش از آن‌که قاعده‌ای مستمر باشند، در عمل جنبه‌ای استثنایی دارند.

⁶⁸ . Pirrello, *Analyse de la jurisprudence*, 40.

Analysis of the Substantive Criteria for Granting Provisional Measures in the Court of Arbitration for Sport

The adjudication of sports-related disputes and the guarantee of justice in this field require mechanisms that protect the rights of the parties and prevent irreparable harm. In this context, provisional measures in the Court of Arbitration for Sport (CAS) play a key role. The primary function of these measures is to prevent irreparable damage until the issuance of a final decision on the merits. The Court considers criteria such as the necessity to avoid irreparable harm, the likelihood of success on the merits, and the balance of interests in favor of the claimant. Article R37 of the CAS Code does not impose limitations on the nature of provisional measures, which generally fall into three categories: facilitating the proceedings, preserving the status quo, and ensuring the effective enforcement of the final award. A review of CAS practice shows that provisional measures are issued with particular sensitivity in doping cases, as the fundamental principle of fair competition requires that athletes accused of violations be suspended from participation pending the final determination. Overall, the CAS system of provisional measures is evaluated as relatively effective, given that decisions are often issued swiftly, in some cases within a few days. Nevertheless, the lack of full transparency and the absence of uniformity in the issuance of such measures remain apparent. Therefore, more precise criteria for evaluating provisional measures and the establishment of coherent procedural guidelines could reduce interpretative discrepancies and enhance the efficiency of this mechanism.

Keywords: Provisional Measures, Court of Arbitration for sport, Irreparable Harm, Jurisprudence of the Court of Arbitration for Sport

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها و رساله‌ها:

۱. عبداللهی، محمدعلی. (۱۳۹۹) *امکان‌سنجی استفاده از الگوی دیوان داوری ورزش در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی (رساله دکتری)*. دانشگاه شهید بهشتی.

ب) مقالات:

۱. سلیمان زاده، احمدرضا و کوشا، هستی. (۱۳۹۵). بررسی دستور موقت و ضمانت اجرای آن در دیوان بین‌المللی دادگستری. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۳، ۵۹-۹۲.
۲. اردشیرمقدم، مهدیه، نژندی‌منش، هیبت‌الله و صلح‌چی، محمدعلی. (۱۴۰۱). اجرای دستورات موقت دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر دستور موقت دیوان در پرونده نقض ادعایی عهدنامه مودت ایران-آمریکا. (۱۹۹۵) *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱۱(۵).
۳. کریمی، فرهاد، نیاورانی، صابر و زمانی، سید قاسم. (۱۴۰۰). نقش دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر: مطالعه موردی پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۴(۴)، ۲۴۳-۲۶۱.
۴. عابدی، محمد و امینی، اعظم. (۱۳۹۸). راهکارهای تضمین اجرای دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۸۴(۲۲)، ۱۳۵-۱۶۴.

۲. انگلیسی

A) Books:

1. Mavromati, D., & Reeb, M. (2015). *The Code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, cases and materials*. Kluwer Law International.
2. Blackshaw, I., & Pachmann, T. (2016). *CAS Provisional and Conservatory Measures and Other Options to Be Granted Interim Legal Relief*. In: Duval, A., Rigozzi, A. (eds), *Yearbook of International Sports Arbitration 2015*. T.M.C. Asser Press, The Hague. https://doi.org/10.1007/978-94-6265-129-6_5
3. de Dios Crespo Pérez, J., Monteneri, G., van Megen, W., & Limbert, P.A. (2011). *Contractual Stability: Breach of Contract*. In: Wild, A. (eds), *CAS and Football: Landmark Cases*. ASSER International Sports Law

A) Dissertation

Pirrello, F. (2021). Analyse de la jurisprudence du Tribunal Arbitral du Sport relative aux mesures provisionnelles (Mémoire de master). Université de Lausanne.

B) Judgments

1. Tribunal Arbitral du Sport (TAS). (2005). Arbitrage TAS 2005/A/916 AS Roma c. Fédération Internationale de Football Association (FIFA), ordonnance sur requête d'effet suspensif du 25 juillet 2005.
2. Tribunal Arbitral du Sport (TAS). (2012). Arbitrage TAS 2012/A/2862 FC Girondins de Bordeaux c. Fédération Internationale de Football Association (FIFA), ordonnance du 20 août 2012.
3. Tribunal Arbitral du Sport (TAS). (2006). P. v. International Ice Hockey Federation (IIHF), CAS 2005/A/990, order on request for provisional measures, 19 January 2006.
4. Arbitration CAS 2001/A/324, Addo & van Nistelrooij v. Union des Associations Européennes de Football (UEFA), order of 15 March 2001
5. Court of Arbitration for Sport (CAS). (2006). *M.P. v. FIFA & PFC Krilja Sovetov*, CAS 2006/A/1141, order of 31 August 2006 .